

درنگ می‌کرد تا از غذای ایشان بخورد. زیاده‌روی او در خوردن، موجب بزرگی شکمش شد. از این رو، او را حارث الحنط و ابوالحنظط لقب دادند. به نقل فاسی، پس از درگذشت او، تولیت کعبه به خاندان جمان بن سعد و سپس به أَضْبُط بن قُرَیْع \* واگذار شد.<sup>۷</sup> از زمان و مدت تولیت ابو خفاد و کارهایش در مکه، گزارشی در دست نیست.

#### ◀ منابع

انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش مصطفی محمد، مکه، النهضة الحدیثه، ۱۹۹۹م؛ الغیبه: النعمانی (م. ۳۸۰ق.)، به کوشش فارس حسون، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۲ق؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۳۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش.

سید محمود سامانی



## ابو خفاد اسدی: از متولیان کعبه در

روزگار جاهلی

نام ابو خفاد و اصل و نسبش دانسته نیست. نسبت اسدی گویای آن است که وی به قبیله بنی اسد بن خزیمه از عرب عدنانی نسب می‌برد. در منابع متقدم و تاریخ‌های محلی مکه از ابو خفاد ذکری به میان نیامده است. در گزارش فاسی (م. ۸۳۲ق.) آمده که ابو خفاد پس از اُسَید بن عمرو تمیمی، از سوی مُضَر، یکی از دو قبیله بزرگ عرب عدنانی، به تولیت خانه خدا برگزیده شد.<sup>۱</sup>

فاسی پس از معرفی ابو خفاد در شمار صاحبان عمر طولانی، به شعری از ابولید جعفری درباره او اشاره کرده است.<sup>۲</sup> اما بیشتر منابع آن را درباره اکثم بن صیفی تمیمی<sup>۳</sup> مکنّا به ابو خفاد / ابو خفاد / ابو حیده<sup>۴</sup> از حکما<sup>۵</sup> و خطبای روزگار رسول خدا ﷺ دانسته‌اند.<sup>۶</sup> در این منابع، از تولیت اکثم بر کعبه سخن نرفته است.

در گزارشی، ابو خفاد اسدی را چنین وصف کرده‌اند: اگر بر کسانی وارد می‌شد، به قدری

۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۵۳.

۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۵۳.

۳. المعارف، ص ۲۹۹؛ الغیبه، ص ۱۱۵؛ کمال الدین، ص ۵۷۰.

۴. انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۶۷.

۵. المعارف، ص ۲۹۹؛ جمهرة انساب العرب، ص ۲۱۰.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۲.

۷. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۵۳.